

آمادگی مخالفان حکومت ایران برای تظاهرات در چند شهر جهان

گفتگو بی بی سی با مهرداد درویش پور

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۸ فوریه ۲۰۱
مخالفین حکومت ایران اعلام کرده اند که بار یگر در روز اول اسفند به خیابانها خواهند آمد
چند تشکل ایرانی برای حمایت از حرکت اعتراضی مردم ایران برای روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه فراخوان داده اند.

مهرداد درویشپور، از هماهنگ کنندگان این تظاهرات به بی بی سی فارسی گفت که این تظاهرات در روزها جمعه، شنبه و یکشنبه (18 تا 20 فوریه) در بیش از بیست شهر جهان برگزار می شود.
او گفت که این تظاهرات در اعتراض به "سرکوب مردم و موج گسترده دستگیری ها و خشونت های صورت گرفته در روز ۲۵ بهمن"، انجام می گیرد.
در تظاهرات ۲۵ بهمن، که با فراخوان میرحسین موسوی و مهدی کروبی و برای "ابراز همبستگی با مردم مصر و تونس" انجام شد، مخالفان دولت ایران با سر دادن شعار علیه آیت الله علی خامنه ای رهبر ایران پرداختند و در جریان مقابله خشونت آمیز نیروهای امنیتی با معترضان، ده ها نفر زخمی و دو نفر کشته شدند.
تاکنون ایرانیان مقیم ملبورن، تورنتو، لس آنجلس، شیکاگو، آتلانتا، بروکسل، وین، دورتموند، برلین، کلن، پاریس، استکهلم، گوتنبرگ، مالمو، اسلو، کپنهاگ، هامبورگ و لندن برای شرکت در این تظاهرات اعلام آمادگی کرده اند.

آقای درویشپور می گوید این فراخوان پس از هماهنگی بین چند تشکل ایرانی خارج از کشور قرار بود در روزهای جمعه و شنبه انجام شود اما پس از اعلام مخالفان برای برگزاری تظاهرات در روز یکشنبه این روز هم اضافه شد.

شورای هماهنگی راه سبز امید، تشکل نزدیک به میرحسین موسوی و مهدی کروبی، از رهبران مخالفان دولت در ایران، با صدور فراخوانی از برگزاری مراسم سراسری "بزرگداشت" کشته شدگان اخیر، در روز اول اسفند خبر داده بود.

بنا به گفته آقای درویشپور تاکنون نه تشکل جمهوری خواه و هم چنین تعداد زیادی از شخصیتهای ایرانی از تظاهرات ایرانیان خارج از کشور حمایت کرده اند.

مهرداد درویشپور می گوید که شرکت کنندگان در این تظاهرات امیدوارند بر افکار عمومی و مقامات دولت های خارجی تاثیر گذار باشند تا آنها از موضع انفعالی خود خارج شده و در مقابل خشونت های حکومت ایران واکنش لازم را انجام دهند.

جنبش سبز و نفی انزوای بین‌المللی



گفتگوی سراج‌الدین میردامادی از رادیو زمانه با مهرداد درویش پور
درباره

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۸ فوریه ۲۰۱۰
جلب حمایت بین‌المللی از مبارزات مردم ایران، اساساً باید بخشی از استراتژی پیکار سیاسی مردم ایران باشد. ما در انزوا به‌سر نمی‌بریم. همان‌طوری که مردم مصر و تونس انتظار داشتند که جهان از آنها حمایت کند، ما باید از حمایت جهانیان از مبارزات مردم ایران بسیار خرسند باشیم.

در پی راهپیمایی روز دوشنبه ۲۵ بهمن که به دعوت میرحسین موسوی و مهدی کروبی، انجام شد و سرکوب شدیدی که از سوی حکومت ایران صورت گرفت، باراک اوباما، رئیس‌جمهور و هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، در یک موضعگیری سریع، سرکوب مردم ایران را به‌شدت محکوم کردند و از خواسته‌های آنها در این راهپیمایی حمایت کردند.

در گفت‌وگویی با دکتر مهرداد درویش‌پور، فعال سیاسی و استاد دانشگاه در سوئد از او پرسیده‌ام: ارزیابی شما از حمایت آمریکا از خواسته‌های مردم چیست؟ با توجه به این که آمریکا در راهپیمایی‌های سال گذشته جنبش اعتراضی مردم ایران به این شکل و با شفافیت از آنها حمایت نمی‌کرد و با احتیاط بیشتری برخورد می‌کرد. چرا مواضع دولت آمریکا نسبت به جنبش سبز صریح‌تر شده است؟

مهرداد درویش‌پور: به گمان من، دل‌نگرانی‌ای که از سوی ایالات متحده‌ی آمریکا و تعدادی از کشورهای غربی به‌ویژه در سال گذشته وجود داشت، این بود که حکومت اسلامی ممکن است حمایت عریان غرب از این حرکت‌های اعتراضی را به عنوان هم‌سرنوشتی و تعلق خاطر غرب به این جنبش تلقی کند و یا بدتر از آن، چنین تلقی شود که این جنبش چون مورد حمایت قرار می‌گیرد، شاید وابستگی‌ای یا هم‌سویتی با مصالح آمریکا و غرب داشته باشد و از این منظر، حکومت اسلامی بهانه‌ی بهتری برای سرکوب داشته باشد.

با توجه به تنش‌هایی که به‌خصوص میان آمریکا و ایران وجود دارد، این هم‌سویتی آمریکا با جنبش‌های اعتراضی، چنین معرفی می‌شود که

این حرکت‌ها اصلاً توسط حکومت‌های غربی برانگیخته شده‌اند و در واقع بهانه‌ای مناسبی برای سرکوب بیشتر مردم می‌شود. از این‌ها نظر آمریکا و غرب، خیلی محتاط‌تر بودند. تجربه اما نشان داد اگر آمریکا یا غرب سکوت کند یا نکند، مطلقاً در نحوه‌ای واکنش جمهوری اسلامی ایران تأثیر نمی‌گذارد. یعنی به‌هرحال جمهوری اسلامی ایران، همیشه اعتراض‌های دمکراتیک شهروندان ایرانی را به ضد انقلاب، آمریکا، اسرائیل و بیگانگان نسبت داده است. بنابراین چه آمریکا به‌طور رسمی از این حرکت حمایت کند و چه نکند، به گمان من، در بهانه‌ای سرکوبی که حکومت به آن نیازمند است، تغییری ایجاد نمی‌کند.

این حکومت اصولاً چندان به دنبال بهانه‌تراشی برای سرکوب نیست. همان‌طور که دیدیم، مسالمت‌آمیزترین حضور میلیون‌ها ایرانی را در گذشته سرکوب کرد و به رغمی این که جنبش کاملاً خودخواسته بود و از درون جوشیده بود، سعی کرد آن را منتسب به غرب کند.

تفاوت موضعگیری آمریکا در بحران مصر و تونس، با بحران و تظاهرات ۲۵ بهمن در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آمریکا ابتدا در مورد مصر و تونس، نه از آن زاویه‌ای که نسبت به جنبش سبز ایران با سکوت رفتار کرده بود (که مبادا این جنبش به آمریکا نسبت داده شود)، بلکه به دلیل روابط حسنه‌اش با دولت‌های مصر و تونس، ابتدا در برابر جنبش اعتراضی مردم آن کشورها، سکوت کرد و موضعی کم‌وبیش دوپهلو گرفت و حتی سعی کرد به‌خصوص از دولت مصر حمایت کند.

ایالات متحده‌ای آمریکا زمانی که با ابعاد گسترده‌ای این اعتراض‌ها روبه‌رو شد، تشخیص داد که قرار گرفتن در کنار دولت مصر، چهره‌ای آمریکا را به‌شدت در جوامع مصر، تونس و عرب خدشه‌دار خواهد کرد. از این جهت، به حمایت از جنبش مردم مصر ابتدا با تردید، سپس با صراحت بیشتری پرداخت. به‌ویژه وقتی که دیگر آقای مبارک استعفا دادند.

این نکته را هم در نظر بگیریم که آمریکا در هر صورت، در فشار به دولت و ارتش مصر برای این‌که به خواست‌های مردم تمکین کنند، به دلیل نزدیکی روابط ارتش و کل دولت مصر به آمریکا تاحدودی قدرت عمل داشت. در مورد ایران، از آن‌جایی که جمهوری اسلامی ایران هیچ نوع نزدیکی سیاسی با آمریکا ندارد، بنابراین با حمایت شفاف از حرکت اعتراضی ۲۵ بهمن، نمی‌تواند آن‌طور که در مورد مصر انجام داد، اعمال فشار مستقیمی به جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

از این نظر، هم شفافیت و هم صراحت بیشتر آمریکا به‌خاطر ضدیت آمریکا با دولت جمهوری اسلامی ایران هم هست. آمریکا روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران ندارد که بخواهد در این مورد تردید کند. وانگهی، ارزیابی من این است که ایالات متحده‌ای آمریکا برای هم‌سو نشان دادن خود با خیزش‌های دمکراتیک در منطقه و برای این‌که در افکار مردم کشورهای منطقه زیر سؤال نرود، سعی کرده از این

حرکت‌ها پشتیبانی کند.

با توجه به این‌که گفتمان دمکراسی‌خواهی به یک گفتمان فراگیر در کل منطقه و از جمله ایران تبدیل شده و حکومت‌های استبدادی را یکی پس از دیگری ساقط خواهد کرد، شاید این تحلیل در نزد محافل سیاسی آمریکا هم وجود داشته باشد که به جای این‌که بایستند و ببینند چه زمانی این حکومت‌ها سقوط می‌کنند تا به مردم تبریک بگویند، (برای این‌که موقعیت و نفوذ آمریکا را در میان مردم این کشورها افزایش بدهند)، پیشاپیش نوعی همبستگی با مردم را اعلام کنند.

فکر می‌کنم هم از زاویه‌ی ضدیت با جمهوری اسلامی، هم از زاویه‌ی دل‌نگرانی از این‌که به‌خاطر سکوت‌شان مورد انتقاد قرار بگیرند، آمریکا این بار با شفافیت و صراحت بیشتری از جنبش مردم ایران دفاع کرد.

آقای موسوی در بیانیه‌ی خود، حمله به حرکت اعتراضی مردم ایران را از دو سو ارزیابی کرده است؛ هم سرکوب داخلی و هم موج‌سواری‌های بین‌المللی. به نظر شما، آیا مرزبندی‌ای که آقای موسوی با این حمایت‌های بین‌المللی ایجاد می‌کند، به نفع جنبش هست یا خیر؟ به گمان من، ممکن است به‌خاطر این‌که آقای موسوی بر استقلال این جنبش از کشورهای غربی تاکید داشته باشند و برای این‌که اجازه‌ی بهره‌برداری سیاسی را به حکومت در این زمینه ندهند، این مسئله را عنوان می‌کنند.

این نکته را اما باید در نظر گرفت که به‌هرحال ما با سیاست یک بام و دو هوا نمی‌توانیم رفتار کنیم. یعنی هرچند بی‌تردید همواره باید بر استقلال جنبش مردم ایران از قدرت‌های بیگانه تاکید کرد و این را خود این جنبش چندمیلیونی در دو سال گذشته نشان داده است، اما ما نمی‌توانیم از یک‌طرف از محافل بین‌المللی، قدرت‌های جهان و مدافعین حقوق بشر بخواهیم که در برابر سرکوب‌گری‌های جمهوری اسلامی سکوت نکنند و در عین حال، اگر جایی، توسط این کشورها، واکنش نشان داده شد، آنها را محکوم کنیم یا سعی کنیم مرزبندی کنیم.

به نظر من، جلب حمایت بین‌المللی از مبارزات مردم ایران، اساساً باید بخشی از استراتژی پیکار سیاسی مردم ایران باشد. ما در انزوا به‌سر نمی‌بریم. همان‌طوری که مردم مصر و تونس انتظار داشتند که جهان از آنها حمایت کند، ما باید از حمایت جهانیان از مبارزات مردم ایران بسیار خرسند باشیم.

یعنی در عین حال که تاکید می‌کنیم تغییر شرایط در ایران و ساقط کردن استبداد در ایران به نیروی خود مردم صورت می‌گیرد، اما طبیعی است همان‌طور که کشورهای نظیر چین، برخی از کشورهای امریکای لاتین یا حتی روسیه را محکوم می‌کنیم که روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران برقرار می‌کنند و به خواست‌های دمکراتیک مردم ایران بی‌اعتنا هستند، باید از کلیه‌ی کشورهای که از مبارزات مردم ایران حمایت می‌کنند استقبال کنیم. این حمایت را مورد نکوهش

قرار دادن، نوعی انزواجویی سیاسی است که من آن را چندان مثبت نمی‌دانم.

به نظر می‌رسد که حرکت اعتراضی مردم در ۲۵ بهمن، در داخل و به ویژه در خارج کشور ادامه پیدا خواهد کرد. آیا شما در این زمینه، اطلاعاتی دارید؟

بله. شب گذشته تماس‌های گسترده‌ای بین ایرانیان مقیم کشورهای مختلف آمریکایی و اروپایی برقرار شد و در نتیجه‌ای آن روزهای جمعه و شنبه ۱۸ و ۱۹ فوریه (۲۹ و ۳۰ بهمن) به عنوان روزهای سراسری همبستگی با مردم ایران در اعتراض به سرکوب خونین ۲۵ بهمن اعلام شده و قرار است راهپیمایی‌هایی در کشورهای گوناگون برگزار شود.

تا این‌جایی که من اطلاع دارم و الان حضور ذهن دارم، هم‌اکنون شهرهای پاریس، کلن، برلین، استکهلم، مالمو، گوتنبرگ، بروکسل، وین دورتموند، اسلو و لس‌آنجلس از جمله شهرهایی هستند که قرار است روزهای ۱۸ و ۱۹ فوریه، جلوی سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران یا میدین مرکزی شهر تجمع کنند. تشکل‌های گوناگونی که هرکدام در این کشورهای مربوطه هستند، این تظاهرات را سازمان داده‌اند.

در روز ۲۵ بهمن‌ماه دست‌کم دو نفر کشته و صدها نفر دستگیر شده‌اند و به نظر می‌رسد این موج همچنان ادامه دارد. حتی آقایان موسوی و کروبی را تهدید به اعدام کرده‌اند و فضا سازی برای شدت بخشیدن حرکت‌هایی علیه مردم قوت گرفته است. به همین دلیل ما در هماهنگی‌ای که با مجموعه‌ای نهادهای حقوق بشری در کشورهای گوناگون داشته‌ایم، به این نتیجه رسیده‌ایم که این دو روز را به عنوان روزهای سراسری همبستگی با مردم ایران اعلام کنیم و شهرهای دیگر، یکی پس از دیگری، در همین فاصله‌ای اکنون تا آخر امشب به این حرکت خواهند پیوست. فکر می‌کنیم که ایرانیان خارج از کشور، حضور بسیار گسترده‌ای در همبستگی با مردم ایران داشته باشند.

تظاهرات سراسری همبستگی در اعتراض به سرکوب خونین مردم ایران

فراخوان شماره ۳ همراه با پشتیبانی استادان دانشگاه، هنرمندان، نویسندگان،

شاعران و روزنامه نگاران در روزهای جمعه ۲۹ و شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۹

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۸ فوریه ۲۰۱۱



در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۹، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران تظاهرات مسالمت آمیز مردم را در همبستگی با انقلاب مردم تونس و مصر به خون کشیدند. کشتن دست کم دو جوان به نام های صانع ژاله و محمد مختاری، ضرب و شتم وحشیانه و دستگیری گسترده صدها نفر از تظاهرکنندگان در تهران و دیگر شهرهای ایران، حبس خانگی آقایان موسوی و کروبی و تهدید آنها به اعدام از طرف تعدادی از نمایندگان مجلس و ادامه موج گسترده دستگیری ها، نشانگر خشم و وحشت سران حکومت از حضور قدرتمند مردم و تلاش برای مرعوب ساختن آنان است.

در اعتراض به سرکوب وحشیانه مردم و موج گسترده دستگیری ها و خشونت فزاینده رژیم علیه مخالفان به منظور خفه کردن هر نوع اعتراض، از همه آزادیخواهان، نهادها و سازمان های دمکراتیک و مدافع حقوق بشر میخواهیم که با برگزاری گردهمایی های اعتراضی در روزهای جمعه ۲۹ و شنبه ۳۰ بهمن و ۱ اسفند (۱۸ و ۱۹ و ۲۰ فوریه) در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و یا میدان های اصلی شهر محل سکونت خود شرکت نمایند.

آخن : میدان Eliesenbrunnen ، شنبه ساعت ۱۴
کانون ره آورد

دیفاف (Deutsch Iranisch Forum Aachen)

آتلانتا : روبروی لنکس مال، شنبه ساعت ۱۶

پشتیبانان دمکراسی و آزادی برای ایران

استکهلم: میدان سرگل، یکشنبه ساعت ۱۶

جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران

اسلو: روبروی پارلمان نروژ، جمعه ساعت ۱۷

کمیته نروژی ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران

برلن : میدان کلیسا Gedächtnis-Kirche ، جمعه ساعت ۱۸

جمعیت پشتیبانی از جنبش دموکراسی خواهی ایران

بروکسل: میدان لوکزامبورگ، روبروی پارلمان اروپا، شنبه ساعت ۱۱

اتحاد برای ایران- بلژیک

پاریس: میدان حقوق بشر تروکادرو، شنبه ساعت ۱۸

کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی

تورنتو: یکشنبه ساعت ۱۳ میدان مل لستمن

جبهه متحد دانشجویان و جمعی از دانشجویان دانشگاه های تورنتو
کمیته همبستگی

دورتموند: روبروی Reihnoldikirche ، شنبه ساعت ۱۵

حامیان مادران پارک لاله - دورتموند

شیکاگو : دیلی پلازا، جمعه ساعت ۱۲

پشتیبانان دمکراسی و حقوق بشر در ایران

کپنهاگ: روبروی سفارت جمهوری اسلامی یکشنبه ساعت ۱۵

انجمن ایران آزاد

کلن: روبروی درب اصلی ایستگاه مرکزی قطار، جمعه ساعت 18
جمعیت پشتیبانی از مبارزات دمکراتیک مردم ایران
جوانان و دانشجویان موج سبز
حامیان مادران پارک لاله - کلن
خانه همبستگی مهر
کمیته کردهای کلن
کمیته جمعی از ایرانیان ایالت نوردراین وستفالن
جبهه ملی ایران - آلمان
حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات)
جنبش ملی ما هستیم
حزب دمکراتیک مردم ایران - کلن
اتحاد جمهوری خواهان - واحد کلن
با پشتیبانی جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی- کلن
گوتنبرگ: میدان گوستاو آدولف، شنبه ساعت 14
جامعه دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران - سوئد
لس آنجلس: پارک بلیوا، شنبه ساعت 14
حامیان مادران پارک لاله (عزادار ایران) در منطقه ولی
لندن: روبروی سفارت جمهوری اسلامی، جمعه ساعت 30/17 یکشنبه ساعت
۱۵

جنبش سبز لندن
مالمو: تری آنگل، شنبه ساعت 14
انجمن ایران آزاد
ملبورن: فدریشن اسکور، پنج شنبه 17 فوریه، ساعت 18
تجمع ایرانیان مقیم ملبورن در حمایت از جنبش آزادیخواهان مردم
ایران

وین: میدان آلبرتینا، شنبه ساعت 15
[حامیان مادران پارک لاله در وین - اتریش
جمعیت دفاع از حقوق مردم ایران در اتریش]
کمیته ی دفاع از حقوق بشردر ایران - اتریش]
نسل آزادیخواه ایران - اتریش]
هامبورگ: Ida - Ehre - Platz ، شنبه ساعت 30/15
حامیان مادران پارک لاله ، هامبورگ
واشنگتن: میدان دویان، یکشنبه ساعت 12
کمیته همبستگی با خواست های دموکراتیک مردم ایران

پشتیبانی از تظاهرات سراسری ایرانیان خارج از کشور
ما جمعی از استادان دانشگاه، هنرمندان، نویسندگان، شاعران و
روزنامه نگاران از تظاهرات سراسری ایرانیان خارج از کشور در
اعتراض به سرکوب جمهوری اسلامی و در همبستگی با مبارزه مردم
ایران، حمایت می کنیم.

سیروس آرین پور (نویسنده و مترجم - فرانسه)
نعمت آزر (نویسنده و شاعر- فرانسه)

گیل آوایی (شاعر - هلند)
 ایرج ادیب زاده (روزنامه نگار - فرانسه)
 مریم اشرافی (عکاس - فرانسه)
 حسین افصحی (نویسنده و کارگردان تئاتر - کانادا)
 محمد جواد اکبرین (روزنامه نگار - فرانسه)
 جلال ایجادی (استاد دانشگاه - فرانسه)
 حسین باقرزاده (نویسنده - انگلیس)
 ناهید باقری (شاعر و نویسنده - اتریش)
 منیره برادران (نویسنده - آلمان)
 لادن برومند (پژوهشگر - آمریکا)
 کامران بزرگنیا (نویسنده - آلمان)
 سهراب بهداد (استاد دانشگاه - آمریکا)
 کامران بهنیا (فیزیکدان - فرانسه)
 رضا جعفریان (روزنامه نگار - فرانسه)
 محمد جلالی م_سحر (شاعر - فرانسه)
 جواد جواهری (نویسنده - فرانسه)
 رضا دانشور (نویسنده - فرانسه)
 مهرداد درویش پور (استاد دانشگاه - سوئد)
 علی درویش (نقاش - آلمان)
 رضا دقتی (عکاس - فرانسه)
 آرامش دوستدار (فیلسوف - کلن)
 مرتضی رفیعی (نقاش - فرانسه)
 کیا نوش رمضانی (کاربراتورست - فرانسه)
 فریبا روستایی (نقاش - آلمان)
 اکبر سردوزامی (نویسنده - دانمارک)
 اسد سیف (نویسنده - آلمان)
 نوشین شاهرخی (نویسنده و روزنامه نگار - آلمان)
 کامبیز شبانکاره (عکاس - فرانسه)
 شهلا شفیق (نویسنده - فرانسه)
 بهروز شیدا (نویسنده و منتقد - سوئد)
 حمید رضا ظریفی نیا (روزنامه نگار - انگلستان)
 سیاوش عبقری (استاد دانشگاه - آمریکا)
 شهلا عبقری (استاد دانشگاه - آمریکا)
 میرزا آقا عسگری (نویسنده و شاعر - آلمان)
 رضا علامه زاده (نویسنده و کارگردان - هلند)
 جلال علوی نیا (ناشر و مترجم - فرانسه)
 سپیده فارسی (سینماگر - فرانسه)
 رضا قاسمی (نویسنده - فرانسه)
 آیدا قجر (روزنامه نگار - فرانسه)
 کاظم کردوانی (نویسنده - آلمان)
 شهرام کریمی (نقاش - آلمان)

هوشنگ کشاورز صدر (پژوهشگر - فرانسه)
بهزاد کشاورزی (پژوهشگر - فرانسه)
شیما کلباسی (شاعر - آمریکا)
هرموز کی (فیلمساز و استاد دانشگاه - فرانسه)
کورش گلنام (نویسنده)
مهدی مظفری (استاد دانشگاه - دانمارک)
باقر مومنی (نویسنده و مورخ - فرانسه)
علی مهتدی (روزنامه نگار - فرانسه)
جعفر مهرگانی (نویسنده و ناشر)
جهان‌نور مهربخش (طراح و سازنده عروسک‌های نمایشی - فرانسه)
منوچهر نامور آزاد (گاراگردان و بازیگر - فرانسه)
ناهید نصرت (پژوهشگر - آلمان)
فرهاد نعمانی (استاد دانشگاه - فرانسه)
پرتو نوری علا (شاعر و نویسنده - آمریکا)
بهمن نیرومند (نویسنده و روزنامه نگار - آلمان)
اطلاعات دقیقتر از تظاهرات در شهرهای دیگر در فراخوان بعدی اعلام
می گردد. شهرها و نهادهایی که مایلند با این حرکت همبستگی همراهی
کنند می توانند با ایمیل زیر تماس بگیرند.
bahman29hambastegi@gmail.com

“جمهوری اسلامی ایران از برگزاری تظاهرات ۲۵ وحشت دارد!”

گفتگوی ایرج ادیبزاده از رادیو زمانه با مهرداد درویش پور ✖
درباره

چهارمین گردهمایی جمهوریخواهان دموکراتیک و لائیک ایران

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۴ فوریه ۲۰۱۱

چهارمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکراتیک و لائیک
ایران در تالار کنفرانس شهرداری مالاکوف در حومه‌ی جنوب غربی پاریس
در روزهای ۱۲ و ۱۳ فوریه ۲۰۱۱، شنبه و یکشنبه ۲۳ و ۲۴ بهمن ماه
تشکیل شد و گروهی از ایرانیان از کشورهای مختلف، که با این مسائل
همفکر هستند، دورهم گرد آمدند و درباره‌ی مسائل امروز ایران و

سیاست های تازه صحبت کردند.

من از آقای مهرداد درویشپور استاد دانشگاه در سوئد که یکی از شرکت‌کنندگان در این گردهمایی هستند، درباره‌ی هدفهای این گردهمایی می‌پرسم:

این چهارمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری‌خواهان دموکراتیک و لائیک ایران است که برگزار می‌شود. از آنجا که سه ایده اصلی مسئله‌ی جمهوری، جدایی دین از دولت و استقرار مردم‌سالاری موضوع و هویت این جریان را تشکیل می‌دهد، از جمله پرسش‌ها در این گردهمایی این است که چه گونه این پروژه اجتماعی فراگیر شود. در عین حال به چه سیاست‌گذاری‌های جدیدی در برخورد به جنبش سبز، در برخورد به بحران هسته‌ای ایران، در برخورد به تحولاتی که پیش روی است و همچنین در همکاری با دیگر گروه‌ها و نیروهای جمهوری‌خواه، نیازمندیم. طبیعتاً بحث‌ها و گفت‌وگوهای گوناگونی جریان خواهد داشت با این انگیزه و برای آن که سعی کنیم در این شرایط سیاسی حضوری فعال و مؤثرتری داشته باشیم.

الان مهم‌ترین مسئله‌ای که مطرح است، راهپیمایی ۲۵ بهمن است که هم گروه‌های داخل و هم گروه‌های خارج آمادگی‌شان را برای راهپیمایی اعتراضی اعلام کرده‌اند. به‌ویژه این که تجربه‌ی جنبش‌های اخیر تونس و مصر را هم در پیش روی دارند. ابتدا درباره‌ی همین راهپیمایی اگر ممکن است بفرمایید.

من شخصاً راهپیمایی ۲۵ بهمن را مثبت می‌دانم و فکر می‌کنم که باید به گونه‌ای گسترده جامعه‌ی ایرانی داخل و خارج از کشور در آن شرکت کند، با طرح شعارهای مستقل خود و نه ضرورتاً با شعارهایی که مورد نظر آقایان موسوی و کروبی است. در عین حال قطعنامه‌ای پیشنهاد شده است به گردهمایی در مورد همبستگی جمهوری‌خواهان با خیزش‌های دموکراتیک تونس و مصر. در آنجا اشاره شده است که جمهوری اسلامی ایران از برگزاری تظاهرات ۲۵ بهمن ماه وحشت دارد. گردهمایی باید این قطعنامه را امروز یا فردا مورد بررسی قرار دهد و با تصحیحاتی احتمالاً آن را منتشر خواهد کرد.

شما به‌عنوان استاد دانشگاه و یک فعال سیاسی که مسائل ایران را دنبال می‌کنید، فکر می‌کنید شعارهای اساسی باید چه باشد؟

من نظر شخصی‌ام را اینجا عنوان می‌کنم. انتخابات آزاد، تجدید نظر در قانون اساسی، جدایی دین از دولت، تأمین رفاه اجتماعی بخشی از

شعارهای کلیدی است. یعنی اگر ما لغو ارگان‌های انتصابی را در دستور نداشته باشیم و یا در قانون اساسی تجدید نظر نکنیم، با این قانون اساسی هیچ تغییر جدی در جامعه صورت نمی‌گیرد. از این نظر من شخصاً فکر می‌کنم نیروهای سکولار و دموکراتیک که در جنبش سبز حضور دارند، قطعاً باید بر خواست‌های ساختارشکنانه‌ی خودشان پافشاری کنند و همان طور که گفتم شعارهایی نظیر تجدید انتخابات، برگزاری انتخابات آزاد، تجدید نظر در قانون اساسی، جدایی دین از دولت و استقرار مردم‌سالاری مطالبات جدی مردم ایران است.



فکر می‌کنید شعارهایی که در جنبش سبز در راهپیمایی‌های مختلف از طرف مردم به‌ویژه داده شد، با آن چه که شما در این گردهمایی مطرح می‌کنید، چه قدر هماهنگی دارد؟

به هر حال یکی از شعارهای جدی که در جنبش سبز داده شد، شعار جمهوری ایرانی بود که سخت مورد نکوهش آقای موسوی قرار گرفت. ما طبیعتاً، به عنوان جمهوری خواهان دموکرات و لائیک، طرفدار استقرار جمهوری در ایران هستیم. جمهوری ایرانی در برابر شعار جمهوری اسلامی قرار دارد. یعنی به معنی جدایی دین از دولت است. وقتی می‌گویند جمهوری ایرانی، یعنی جمهوری غیردینی می‌خواهند. شعارهای گسترده‌ای هم علیه ولی فقیه داده شده است. وقتی مردم این شعارها را می‌دهند و مظهر این نظام را در شعارهای همگانی‌شان زیر سؤال می‌برند، یعنی به ساختار موجود راضی نیستند و خواستار تجدید نظر هستند. بنابراین فکر می‌کنم شعارهایی نظیر برکناری ولایت فقیه، تجدید نظر در قانون اساسی و انتخابات آزاد و... مردم به ویژه انتخابات آزاد. را به صورت خیلی گسترده بیان می‌کنند. امروز حتی اصلاح‌طلبان هم شعار انتخابات آزاد را بیان می‌کنند. اما تفاوت نظر ما با آن‌ها در این است که ما معتقدیم یک انتخابات آزاد بدون تجدید نظر در قانون اساسی موجود میسر نیست، در حالی که اصلاح‌طلبان با التزام به قانون اساسی موجود که بر تبعیض استوار است بدنبال انتخابات آزاد هستند. بنابراین فکر می‌کنم گرایشی که ما از آن دفاع می‌کنیم در جامعه خیلی گسترده است، گرچه این گرایش با نگاه رهبران اصلاح‌طلب در خیلی از زمینه‌ها متفاوت است.

شما را یکی از تئوریسین‌های این جنبش جمهوری دموکراتیک و لائیک معرفی کرده‌اند. فکر می‌کنید وظیفه‌ی فعالان سیاسی در حال حاضر چیست، چه در داخل و چه در خارج؟

من اجازه می‌خواهم که خودم را به‌عنوان یکی از کوشندگان همراه این جنبش معرفی کنم. گرچه تا امروز در سه دوره عضو شورای هماهنگی جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک بودم. اما می‌خواهم براین تأکید کنم که آن وظیفه‌ی محوری که من شخصاً برای جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک قائل هستم، تلاش برای ایجاد یک قطب گسترده‌ی جمهوری‌خواه و نیروهای سکولار است. ما باید با ایجاد گسترده‌ترین طیفی که از جدایی دین از دولت دفاع می‌کند، بر دموکراسی پافشاری می‌کند، بتوانیم یک بدیل سومی در این دعوا بین اصلاح‌طلبان و بنیادگرایان ایجاد کنیم. این به این معنی نیست که ما هیچ نوع همسویی با اصلاح‌طلبان نداریم. بالاخره در این جنگی که علیه بنیادگرایان در جریان است، همسویی‌هایی بین ما و اصلاح‌طلبان وجود دارد. اما تأکید من این است که ما نمی‌توانیم خودمان را در چارچوب خواسته‌های اصلاح‌طلبان محدود کنیم. تجربه‌ی تونس و مصر نشان می‌دهد که اتفاقاً امروزه زمینه‌ی گرایش‌های ساختارشکنانه و فراتر رفتن از چارچوب نظام وجود دارد، گرچه باید بر مسالمت‌آمیز بودن مبارزات تأکید کرد.

اما سؤال کلیدی اینجاست: اگر جامعه‌ی گسترده‌ی جمهوری‌خواه یا نیروهای سکولار و دموکراتی که وجود دارند، همبستگی ملی نداشته باشند و بدیلی ایجاد نشود، آن موقع چه گونه ممکن است که مردم از خواسته‌های اصلاح‌طلبان فراتر روند یا چه گونه ممکن است اپوزیسیون بتواند اثرگذار باشد؟ از این نظر به گمان من گسترده‌ترین همکاری در بین نیروهای سکولار و دموکرات وظیفه‌ای است که جامعه‌ی جمهوری‌خواه پیش روی دارد که حول جمهوری، دموکراسی و جدایی دین از دولت گسترده‌ترین ائتلاف سیاسی را در سطح کشور، داخل و خارج، سازمان دهد.



همین داخل و خارج که گفتید، شما ارتباطاتی با فعالان داخل هم دارید؟

در میان روابطی که کمابیش با جنبش‌های گوناگون داریم، میتوان از جمله از جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش سندیکای کارگری - که به گمان من جامعه‌ی جمهوری‌خواه باید برای آن نیروی بیشتری بگذارد - نام برد. ارتباط با جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش‌های اجتماعی دیگر بیشتر است. در رابطه با جنبش سندیکای کارگری، پیشنهاد من به این گردهمایی این است که تأکید بر مسئله‌ی عدالت اجتماعی و نان برجسته

شود. چون نارضایتی‌های اجتماعی در جامعه گسترده است و باید ما بتوانیم به آن پاسخ دهیم. ما اگر بتوانیم شعارهایی دهیم که اولاً کم هزینه باشد، ثانیاً گسترده‌ترین طیف مردم حول آن گرد هم بیایند، موفق خواهیم بود. به نظر من این گونه شعارها بیشتر قدرت بسیج دارند. انتخابات آزاد و تجدید نظر در قانون اساسی به نظر من دو شعار محوری است و فکر می‌کنم امروز مسئله‌ی لغو ارگان‌های انتصابی یکی از کلیدی‌ترین خواسته‌ها است. وقتی این لغو را مطرح می‌کنید، از خود شخص ولی فقیه گرفته تا شورای نگهبان و دیگر ارگان‌های انتصابی زیر سؤال می‌روند و با تجدید نظر در قانون اساسی و انتخابات آزاد شاید بتوان شکل مسالمت‌آمیز گذار در جامعه را فراهم کرد. ارتباطات ما با داخل کشور به نظر من باید گسترده‌تر شود و در عین حال من برای ماورم که جمهوری‌خواهان باید یک بدیل معتدل اجتماعی باشند که بتوانند ارتباط بهتری با داخل برقرار کنند و بتوانند زمینه‌ی پشتیبانی گسترده‌ای داشته باشند. معتدل بودن به معنای در چارچوب نظام تلاش کردن نیست، فراتر رفتن از خواسته‌های اصلاح‌طلبان است. بدون کلام خشونت، ما بر مسالمت جویی قطعاً باید تأکید بسیاری داشته باشیم.

اطلاعیه مشترک احزاب و سازمان‌های اپوزسیون

در تظاهرات همبستگی با مردم مصر و تونس شرکت کنیم!

یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۳ فوریه ۲۰۱۱

۸ سازمان سیاسی اپوزیسیون در این بیانیه‌ی مشترک مردم را به شرکت در راه پیمایی روز دوشنبه دعوت کردند ...

مردم مصر و تونس با خیزش میلیونی، در مقابل سرکوب‌گران ایستادند، دیکتاتورها را در این دو کشور به زانو درآوردند و گامی به پیش در راه استقرار دموکراسی گذاشتند. با پیروزی مردم این دو کشور، می‌رود که موج آزادیخواهی و پایان دادن به حاکمیت دیکتاتورها خاورمیانه را فراگیرد و سیمای منطقه را دگرگون سازد. تاثیرات

پیروزی مردم مصر و تونس به مرزهای کشور ما هم رسیده و به جنبش اعتراضی مردم ایران با سه دهه تجربه مبارزه با استبداد ولایت فقیه تحرک تازه ای بخشیده است.

فعالین سیاسی و اجتماعی برای همبستگی با مبارزه مردم مصر و تونس علیه دیکتاتورها در روز دوشنبه ۲۵ بهمن، در داخل و خارج از کشور دعوت به تظاهرات کرده‌اند. ما احزاب و سازمان های سیاسی از برگزاری تظاهرات برای پیگیری خواسته های مردم ایران و اعلام همبستگی با مبارزه مردم مصر و تونس پشتیبانی می‌کنیم و از نیروهای آزادیخواه کشورمان می‌خواهیم که فعالانه در این تظاهرات مشارکت کنند.

اتحاد جمهوریخواهان ایران

حزب دمکراتیک مردم ایران

حزب کومه‌له کردستان ایران

جبهه ملی ایران - اروپا

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته هماهنگی شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران

نشست "گذار از جمهوری اسلامی و جدایی دین و دولت در ایران" در پاریس برگزار شد



شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۲ فوریه ۲۰۱۱

نشستی با عنوان "گذار از جمهوری اسلامی و جدایی دین و دولت در ایران" جمعه شب توسط جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران در پاریس برگزار شد. در این نشست ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ قاسمی عضو جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران، حسن طالبی عضو سابق شورای عمومی دفتر تحکیم حدت،

هدایت اله متین دفتری نوه محمد مصدق و از بنیانگذاران جبهه دمکراتیک ملی ایران و پرویز نویدی یکی از رهبران فدائیان خلق ایران به سخnrانی پرداختند.

ابوالحسن بنی صدر در این نشست گفت: مرگ برای رژیم است که از هدف خالی شده است و پیروزی از آن ملتی است که برای حاکمیت هدفمند خود حرکت می کند.

اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: هدف جنبش سبز "حق من کو نبود" بلکه "رای من کو بود" و در نتیجه پذیرفتن "ولایت فقیه" محکوم به شکست بود.

وی با اشاره به پیروزی جنبش مصر تاکید کرد: مردم ما می توانند از تجربه جنبش مصر درس گرفته و حق حاکمیت خود را پس بگیرند.

وی با بر شمردن مشخصات دولت لائیک گفت: دولت لائیک باید سرشار از حقوق ملی، انسانی و اصول راهنمای مردمسالاری پر باشد.

بنی صدر با تاکید بر شفافیت قانون اساسی اظهار داشت: دولت باید بطور مطلق جدا باشد از هر چه باور است باشد و مرام مند نباشد.

وی خشونت زدایی را جزئی از لائیسیت دانست و گفت: جریان اندیشه باید آزاد بوده و جامعه بتواند آزادانه دست به انتخاب بزند.

نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران افزود: دولت باید خالی از تبعیض باشد و لائیک تبعیض را نمی پذیرد.

وی تاکید کرد: قانون اساسی دولت لائیک باید شفاف باشد و عقاید مختلف اعم از دینی و غیر دینی باید محترم شمرده شود.

بنی صدر گفت: نه تنها دولت لائیک باید بی طرف باشد بلکه نهادهای اجتماعی نیز باید بی طرف باشند.

وی تصریح کرد: عدم سانسور باید به دقت در قانون ملاحظه شود.

بنی صدر اصل تفکیک ناپذیری حقوق، اصل عدم تقدم بر دیگری و اصل برابری در حاکمیت به معنی واقعی را از اصول مهم جامعه لائیک بر شمرد.

فرهنگ قاسمی عضو جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران نیز در این نشست گفت: جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست و باید سرنگون شود ولی چگونگی این مساله مهم است.

وی تصریح کرد: در یک جامعه لائیک دولت و قانون اساسی باید از هر دین و مرام و ایدئولوژی جدا باشد و این مساله باید به روشنی در

قانون اساسی مطرح شود. در این راستا اعتقادات مذهبی و قومی نباید کوچکترین کاستی در حقوق افراد بوجود آورد و همچنین امتیازی برای

آنان محسوب شود.

وی با طرح این سوال که تحت چه شرایطی لائیسیته امکان پذیر است، اظهار داشت: باید به دنبال جامعه متعادل و همساز رفت. در جامعه متعادل و همساز تفکرت افراطی دینی و غیر دینی کم است و امکان جدایی دین و دولت وجود دارد.

وی با تاکید بر اهمیت برنامه ریزی برای ساختار نظام پس از سرنگونی گفت: اپوزیسیون زمانی خواهد توانست گامی مثبت بردارد که از امروز به فکر فردا باشد.

حسن طالبی عضو سابق شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت نیز در این نشست گفت: لائیک شدن با کپی برداری از جوامع اروپایی امکانپذیر نیست و بدون تطبیق با شرایط جامعه ایران شکست خورده است.

وی خاطر نشان کرد: لائیک در اروپا نیز با یک مدل تعریف نشده و در هر کشوری به یک شکل است و تک نسخه ای عمل کردن اشتباه است.

هدایت الله متین دفتری، نوه محمد مصدق و بنیانگذار جبهه دمکراتیک ملی ایران نیز در این نشست گفت: باید مشخص شود چگونه با عبور از جمهوری اسلامی وارد مرحله جدیدی می شویم و در آن مرحله جدایی دین از دولت می تواند برقرار شود. با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی پیشگویی مشکل است ولی می دانم که اگر جمهوری اسلامی نباشد باید چه کنیم.

وی یادآوری کرد: ما در سال های اول انقلاب به جدایی دین از سیاست اصلن نمی اندیشیدیم. جامعه آنروز بیشتر محسور خمینی بود بدون اینکه بداند در جزوه ولایت فقیه چه گفته است.

وی خاطر نشان کرد: پس از تشکیل حکومت دینی به فکر چاره افتادیم و جبهه جدیدی ایجاد کردیم تا جلوی از دست دادن دستاوردهای سکولار و انقلاب مشروطیت را بگیریم.

پرویز نویدی یکی از رهبران اتحاد فدائیان خلق ایران نیز در این نشست اظهار داشت: برای بحث گذار از جمهوری اسلامی و ضرورت جداسازی دین و دولت باید به این مساله پرداخت که چطور شد جامعه ما با چنین بختی روبرو شد.

وی افزود: سطح فرهنگ در جامعه ما بسیار عقب مانده بود. فرهنگی که در سطح روشنفکران داشتیم با سطح عموم مردم سازگاری نداشت. عموم مردم عکس خمینی را در ماه می دیدند و موی خمینی را در قرآن پیدا می کردند. یکی از ریشه های شکل گیری جامعه اسلامی جهالتی بود که در جامعه وجود داشت.

وی همچنین جنگ سرد بین غرب و شرق و استراتژی کسینجر را نیز به عنوان یکی از دلایل سرکار آمدن خمینی بر شمرد.

نویدی گفت: قانون اساسی که در جمهوری اسلامی به تصویب رسید از روز اول تناقض بزرگی را با خود حمل می کرد که امروز باید تکلیف خود

را با جمهوریت و اسلامیت مشخص کند. وی با یادآوری اینکه جامعه ایران ادغام دین و سیاست را به بدترین شکل خود تجربه کرده است، تاکید کرد: جدایی دین از دولت یکی از الفباهای سیاسی است.

وی خاطر نشان کرد: جنبش سبز غلیانی است که پس از 30 سال فشار سر ریز شد و اگر قلب نشده بود خشم مردم از جای دیگری برون می زد. پرویزی گفت: در حال حاضر مشکلات مردم در کشور حل نشده و فشارها افزوده شده است بنابراین آتش فشان از جایی بیرون خواهد زد و ما باید خود را آماده کنیم.

وی در ضمن تصریح کرد: هر امیدی که از درون جمهوری اسلامی بیرون کشیده شود واهی است و جمهوری اسلامی باید برود. وی ادامه داد: باید جنبشی بیاید که جدایی دین و دولت را در دستور کار خود قرار دهد.

وی خاطر نشان کرد: در کشورهای خاورمیانه شعار مرگ بر دیکتاتور شنیده می شود و این صدا که از ابتدا از جامعه ما شنیده شد دوباره به ایران باز می گردد.

در این جلسه یاد شیخ عز الدین حسینی یکی از چهره های وابسته به حزب کومله که بیست و یکم بهمن ماه در سوئد در گذشت، گرامی داشتند. همچنین پیروزی مردم مصر به ملت این کشور تبریک گفته شد.